

مردم تهران چگونه به میهمانی خدا می رفتند!

۳۰ دی ۱۳۹۵ ساعت ۱۵:۰۱

از همان شبی که قرار بود حلول ماه مبارک رمضان در آسمان تهران نمایان شود خانواده‌های زیادی با آب، آیین و سبزه راهی پشت بام می‌شدند تا هلال آغاز ماه مبارک رمضان را به چشم خود ببینند. در تهران قدیم اعلام زمان سحر و افطار با شلیک گلوله توپ همراه بود. چنان که در هر گوشه ای از شهر دو توپ جنگی کار گذاشته می‌شد که این توپ‌ها هنگام سحر و اذان مغرب ۳ بار شلیک کرده و اوقات شرعی را به این ترتیب به مردم اعلام می‌کردند...

در روزگار قدیم که خبری از پیشرفت تکنولوژی و گرفتاری‌های روزمره زندگی نبود، استقبال از ماه رمضان و سپری کردن روزهای پر فیض و برکت آن با آداب و رسوم خاصی همراه بود. در آن زمان در برخی از شهرها همانند تهران قدیم مردم همانند عید نوروز به استقبال ماه رمضان می‌رفتند. زن‌ها به جارو و خانه تکانی پرداخته و مردها غبار از حصار و حصیر مساجد می‌گرفتند و به حرمت این ماه مبارک جامه نو به تن می‌کردند. از همان شبی که قرار بود حلول ماه مبارک رمضان در آسمان تهران نمایان شود خانواده‌های زیادی با آب، آیین و سبزه راهی پشت بام می‌شدند تا هلال آغاز ماه مبارک رمضان را به چشم خود ببینند. در تهران قدیم اعلام زمان سحر و افطار با شلیک گلوله توپ همراه بود. چنان که در هر گوشه ای از شهر دو توپ جنگی کار گذاشته می‌شد که این توپ‌ها هنگام سحر و اذان مغرب ۳ بار شلیک کرده و اوقات شرعی را به این ترتیب به مردم اعلام می‌کردند. در آن زمان رسم بود یکی ۲ ساعت مانده به اذان صبح جلوی در خانه‌ها و مغازه‌هایی که در جایگاه مرتفع و بلندتری بودند یک چراغ نفتی آویزان می‌کردند تا مردم با دیدن نور آنها بساط سفره سحری را بچینند. همچنین کسب و کار بازاریان در ایام ماه رمضان پاک تر و پر برکت تر می‌شد، اگر چه بسیاری از صنوف در این ماه تعطیل یا کم کار می‌شدند اما در عوض حمام‌ها، قهوه خانه‌ها، زورخانه‌ها و شیرینی‌فروشی‌ها به رونق می‌افتادند. ماه رمضان که می‌رسید حتی کاسب‌های کم فروش هم سنگ‌های قلبی‌شان را به انبار می‌بردند تا وزنه‌های دقیق را برای معامله با مردم مورد استفاده قرار دهند. نان شیرمال نیز پر روغن تر و چرب پخته، و تافتون و شیر به قیمت عادلانه عرضه می‌شد. مشهور است که در تهران قدیم روشنایی معابر که توسط چراغ‌های نفتی تأمین می‌شد تنها ۲ ساعت پس از غروب آفتاب ادامه داشت و پس از آن با نواختن گزمه‌های حکومتی بر طبل‌هایشان، شهر در خاموشی فرو می‌رفت، اما به میمنت از راه رسیدن ماه رمضان نه تنها عبور و مرور بعد از غروب آفتاب قطع نمی‌شد بلکه تا طلوع آفتاب ادامه می‌یافت.

در گذشته خورد و خوراک مردم در ماه رمضان تفاوت‌های زیادی داشت. مردم از غذاهایی استفاده می‌کردند که در کنار سالم و مفید بودن بتوانند نیازهای غذایی بدن آنها را در طول ساعات روزه داری تأمین کنند. در روزگار قدیم مردم تهران بیشتر در موقع سحری برنج می‌خوردند، چون در طول روز کمتر باعث تشنگی می‌شد. زولبیا، بامیه خوراکی‌هایی بودند که خانواده‌ها در ساعات

پایانی شب دور هم جمع می می شدند و ضمن مصاحبت با یکدیگر به عنوان شب چره آنها را میل می کردند. همچنین به جای دوغ و ماست از هندوانه و خربزه استفاده می کردند تا رفع عطش کنند. در زمان افطار نیز بعضی از غذاهای اصیل تهران مثل تره حلوا، شیربرنج و پالوده سیب مورد استفاده مردم قرار می گرفت. چند ساعت پس از استفاده این غذاهای سبک به عنوان افطاری، نوبت به پس افطاری می رسید که آبگوشت، چلوکباب و انواع خورش ها از مهم ترین پس افطاری های مورد مصرف تهرانی های قدیم محسوب می شد. در آن زمان خبری از رادیو و تلویزیون برای اعلام اوقات شرعی به مردم نبود و اعلام زمان سحر و طلوع و غروب خورشید با صدای طبل، دهل، نقاره و دف زنی اعلام می شد. در برخی از شهرها مردم با صدای نقاره به استقبال اذان صبح رفته و روزه می گرفتند. نقاره زنی که قبل از اسلام به عنوان یک رسم کهن هنگام طلوع خورشید اجرا می شد با آمدن اسلام جلوه ای دیگر پیدا کرد و به سنتی برای اعلام زمان سحر و افطار در ماه رمضان تبدیل شد و چهره یک هنر آیینی را به خود گرفت، به طوری که در حال حاضر در بعضی از مناطق ایران همانند طبس، این کار به شکل یک سنت وقفی در آمده و به صورت اوقافی انجام می شود. در برخی دیگر از مناطق ایران هم براساس تفکرات و باورهای قومی از دهل و دف به جای نقاره برای بیداری مؤمنان استفاده می شد. تا پایان سلطنت محمدعلی شاه، مجالس تعزیه معمولاً در ایام ماه محرم و صفر در تهران اجرا می شد، ولی در دوران احمدشاه در ساختمان تکیه آقا در حصار بوعلی شیران (جنوب نیاوران) به دستور کامران میرزا نایب السلطنه، تعزیه خاص ماه رمضان بعدازظهرها تا قبل از افطار در مقابل احمدشاه و خانواده سلطنتی اجرا می شد. کسبه تهران قدیم در ماه رمضان غیراز بقال، قصاب و خباز عموماً تعطیل می شدند، زیرا اکثر مردم به دلیل شب زنده داری تا ظهر روز بعد خواب بودند. در کنار عبادات روزهای ماه رمضان، تفریحاتی نیز برای روزه داران معمول بود که از آن جمله معرکه گیری درویش ها و مارگیرها در فضای باز مساجد معروف تهران مثل مسجد سپهسالار، مسجدشاه و مسجد جامع بازار و سرقبر آقا دیدنی بود. در داخل شبستان مساجد محلات پس از اقامه نماز جماعت ظهر و عصر برنامه وعظ و تبلیغ آغاز می شد. تا قبل از مشروطه و وعظ در مبنای فقط مسائل دینی مطرح می کردند. بعدها برای اولین بار سیدجمال الدین اصفهانی (پدر محمدعلی جمال زاده از نویسندگان معروف) در ماه رمضان مسائل سیاسی را نیز در منبر مطرح می کرد. در دوران پهلوی دوم نیز واء معروف، استاد علامه فلسفی در سال های قبل از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲، ظهرها بعداز نماز جماعت در مسجد سلطانی سخنرانی می کرد که به طور زنده از رادیو تهران پخش می شد. بعد از کودتا برنامه سخنرانی آن مرحوم به مسجد آقاسیدعزیزا... بازار منتقل شد که تا پایان دهه چهل ادامه داشت. در آن دوران دو مجلس سخنرانی بسیار پرجمعیت ظهرها در تهران برگزار می شد که در درجه اول منبر حاج آقا فلسفی بعد از نماز آیت ا... العظمی خوانساری در مسجد آقاسیدعزیزا... و مجلس دیگر، سخنرانی حضرت آیت ا... مکارم شیرازی بود که ظهرها در مسجد ارگ برگزار می شد. در زمان ناصرالدین شاه پس از بنای مسجد سپهسالار از آقا شیخ ملا محمدعلی معروف به حاج آخوند رستم آبادی تقاضا شد که در ایام ماه مبارک رمضان در این مسجد اقامه جماعت نماید و ایشان این دعوت را اجابت کرد. ضمناً بعد از نماز، آن مرحوم در مسجد مردمی نیز می رفت که نماز جماعت و منبر حاج آخوند در رمضان در عهد ناصری جزو باشکوه ترین نماز جماعت مجلس وعظ در سطح تهران آن روزگار به شمار می رفت. شایان ذکر است ایشان یکی از فاضل ترین شاگردان شیخ مرتضی انصاری در نجف اشرف بود که در سال ۱۳۳۲ قمری در سن ۸۲ سالگی در زادگاهش رستم آباد شمیران بدرود حیات گفت. مزارش در کنار بوستان اختیاریه واقع در محله اختیاریه زیارتگه اهالی و به قولی وجود تربتش خیروبرکت منطقه است. همچنین کسب و کار بازاریان در ایام ماه رمضان پاک تر و پر برکت تر می شد، اگر چه بسیاری از صنوف در این ماه تعطیل یا کم کار می شدند اما در عوض حمامها، قهوه خانهها، زورخانهها و شیرینی فروشیها به رونق می افتادند. آخرین مراسم ماه رمضان

قبل از عید فطر در شب و روز بیست و هفتم اجرا می‌شد. بنابر اعتقاداتی که تهرانی‌های قدیم داشتند روز بیست و هفتم رمضان را روز اعدام و کشتن ابن ملجم می‌دانستند. شب بیست و هفتم کله پاچه می‌خوردند به این بهانه که سر ابن ملجم را خورده اند. خوردن آجیل مراد هم از مراسم این شب بود. این آجیل با تقاضا از افرادی که نامشان محمد، علی یا فاطمه بود تهیه می‌شد که ترکیبش هم خرما، پسته، فندق، تخمه، نخودچی، بادام و شکر پنیر بود. یکی دیگر از تشریفات روز بیست و هفتم، دوختن پیراهن مراد در مساجد مشهور نظیر سپهسالار، جامع بازار و سلطانی بود. زنان و مردان حاجتمند پس از عرض تقاضا از ۴۰ نفر که نامشان محمد، علی یا فاطمه بود از یک مغازه پارچه فروشی که اسم صاحبش محمد یا علی و دکانش هم رو به قبله بود پارچه می‌خریدند و بین دو نماز ظهر و عصر روز بیست و هفتم در مساجد ذکر شده می‌بردند و می‌دوختند و بعد از نماز به تن صاحب حاجت می‌کردند. در اواخر سلطنت قاجاریه که چرخ خیاطی در منازل اعیان و اشراف راه یافت، زنان رجال برای دوختن پیراهن مراد چرخ خیاطی خود را به وسیله نوکران خود به مسجد می‌فرستادند تا مراد آنها هم داده شود. در ماه رمضان تهران امروز دیگر خبری از ترنابازی در قهوه خانه‌ها و صدای شلیک توپ در افطار و سحر، خوردن آجیل مراد، دوختن پیراهن مراد و چیدن پیش افطاری و پس افطاری نیست. بدون شک حال و هوای تهران و فرهنگ مردم آن دستخوش تغییر شده است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۲۰۱/مردم-تهران-چگونه-تهران-مردم/>